

دنبال یکی از نقش‌های اصلی می‌گشتند و تست می‌گرفتند. من از طریق دوستانم به ایشان معرفی شدم و تست دادم. البته تست نبود بلکه به نوعی یک مصاحبه بود چون ایشان شیوه کارشان این است که تا روزهای شروع فیلمبرداری فیلمنامه به بازیگر نمی‌دهند که بخوانیم و بر اساس آن تست بدهیم. در نهایت طی چند جلسه که بخشی از آن تست عکس و بخشی گپ و گفت من و کارگردان در مورد نقش و فضای فیلم بود ایشان مرا برای نقش پروا که یک دختر جسور و در واقع بی پروا است انتخاب کردند. این نقش برای من بسیار جذاب بود هم به این علت که در تجربه‌های تئاتری‌ام نقش‌های مشابهی بازی کرده بودم و هم بخاطر نقشی که در فیلم «دختران دریا» داشتم و این فیلم بنا به دلایلی به اکران نرسید و بعد نسخه قاچاقی آن بیرون آمد و از آنجایی که آن فیلم را یک فیلم ناکام می‌دیدم سعی داشتم تا در فیلم «لاله کبود» خودم را بهتر به نقش نزدیک کنم.

شاید بتوان کاراکتر پروا را یک کاراکتر درونگر و مرموز دانست آیا از این جهت کاراکتر به شما نزدیک بود؟

نه؛ می‌توانم بگویم که در این وجه اصلا به من نزدیک نبود چون من به شدت یک کاراکتر بیرون‌گرا و اورت هستم. من در این کاراکتر یک نوع درون‌گرایی همراه با خشم و عصیان دیدم.

عصیانگری کاراکتر حتی در لباس پوشیدن، راه رفتن و حتی حرف زدنش نیز مشهود است.

بله و دقیقا از این نظر کاراکتر شباهت زیادی به من داشت. و همینطور از متدهای بازیگری که در این چند سال آموخته بودم استفاده کردم و سعی کردم خودم را به نوعی به نقش نزدیک کنم و آنچه که در فیلم می‌بینید شکل بگیرد.

در مسیر رسیدن به نقش خود آقای کارخانی چه کمک‌هایی داشتند؟

آقای کارخانی بسیار اهل دیالوگ و گپ و گفت هستند و این برای من باز یگر خیلی خوشایند است. به خصوص که من تجربه کارگردانی هم دارم و کار کردن با برخی از کارگردان‌ها ممکن است برایم سخت باشد. اما ارتباط گرفتن با آقای کارخانی بر اساس همان گپ و گفت‌هایی که وجود داشت راحت بود. آقای کارخانی طی روند شکل‌گیری نقش نیز خیلی درباره فضای فیلم و قرار گرفتن این کاراکترها در چنین فضایی به من کمک کردند. ایشان فیلمنامه را روزهای نزدیک به فیلمبرداری یک بار برای ما خواندند و با اطلاعاتی که به بازیگر می‌دادند با شناختی که از فضای کار داشتند در روند اجرای نقش کمک می‌کردند.

سخن پایانی

از صمیم قلبم از مخاطبان دعوت می‌کنم که به دیدن این فیلم بیایند چون این فیلم علی‌رغم اینکه ممکن است برای مخاطب خاص در نظر گرفته شده باشد، فیلمی بسیار صمیمی و روان است. برایش خیلی زحمت کشیده شده و یک تیم بسیار همدل و خوب در کنار هم بودند تا این فیلم ساخته شود و حال که فیلم به اکران رسیده امیدوارم که مخاطب از آن حمایت کند. به مخاطبی که این فیلم را انتخاب می‌کند نوید فیلمی متفاوت، پراز تصاویر زیبا در سکوت و سکون را می‌دهم که اگر اغراق نباشد می‌توان آن را نزدیک به سینمای شهید ثالث و یا کیارستمی دانست. در انتها می‌خواهم از آقای کارخانی تشکر کنم که به من اعتماد کردند و خوشحالم افتخار این را داشتم که در فیلم «لاله کبود» با ایشان همکاری کنم.

لیسانس زبان انگلیسی داشتم اما لیسانس بازیگری سینما از دانشگاه علم و فرهنگ تهران را نیز دارم و مدرس نمایش خلاق کودک و نوجوان هستم.

نقش مهتاب را چگونه دیدید و برای نقش پردازی آن به چه مسائلی دقت کردید؟

قبل از هر چیزی نقش مهتاب در «لاله کبود» برای من نماد یک زن مستقل و داناست که شیوهی زندگی در تنهایی را بلد است و با المان‌هایی که در کافه‌ی کنار خط راه آهن که محل کار و زندگی او می‌بینیم متوجه می‌شویم او زنی است که گویا راه‌های سختی را گذرانده و به یک پختگی رسیده است. از تجربیات و رفتار او در می‌یابیم که دانای کل فیلم است اگر چه این را به رخ نمی‌کشد و سعی می‌کند بشکل غیر مستقیم و با سکوت‌های معنا دارش روی شخصیت‌های یغما و پروا تاثیر بگذارد. تا جایی که اسلحه قدیمی خود را برای انتقام در اختیار یغما می‌گذارد.

تجربه همکاری با آقای کارخانی چگونه بود؟

تجربه همکاری با آقای مهرشاد کارخانی در این فیلم برای من بیشتر از یک دانشگاه بود، ایشان شناخت و تجربه بسیار بالایی از سینما دارند و بدرستی باز یگر را در فضای فیلم هدایت می‌کنند.

با توجه به اینکه هم خود و هم نقش کم دیالوگ هستند با چه چالشی در این زمینه روبرو بودید؟

نقش مهتاب بسیار پرچالش، سخت و در عین حال درونی و جذاب بود و تاثیر زیادی در کلیت فیلم داشت. نزدیک به سه سال است که از روزهای فیلمبرداری گذشته اما همچنان با دیدن فیلم، این شخصیت در فضای آن کافه‌ی کنار ریل قطار و آن لوکیشن مرا رها نمی‌کند. بطور کلی فیلم کم دیالوگ است اما دیالوگ کاراکتر مهتاب هم کمتر از باقی بازیگران است، مهتاب خیلی حرف نمی‌زند، شعار نمی‌دهد و نصیحت نمی‌کند. او به شخصیت‌ها حق انتخاب، همینطور اندیشیدن، تامل و تفکر کردن می‌دهد.

سخن پایانی

از گروه محترم هنر و تجربه ممنونم و امیدوارم از این نوع فیلمها بیشتر حمایت شود تا سینماگران مستقل انگیزه بیشتری برای ساخت فیلم‌های خود داشته باشند.

شکیلا سماواتی بازیگر:

لاله کبود فیلمی بسیار صمیمی و روان است

از شروع بازیگری و چگونگی ورود به سینما بگوئید.

من تقریبا از سال ۹۱ وارد عرصه تئاتر شدم و از سن خیلی کم یعنی از ۱۶ سالگی نقش‌هایی به من سپرده شد که روی صحنه اجرا کردم تا اینکه سال ۹۸ با آقای علیرضا امینی آشنا شدم و ایشان برای فیلم «راند چهارم» دنبال بازیگری برای نقش مکمل زن بودند و آشنایی من با ایشان نیز به زمان حضورم در ورکشاپ‌هایی که برگزار می‌کردند مربوط بود. به هر حال من برای نقش مورد نظر تست دادم و قبول شدم و اینگونه بود که به سینما معرفی شدم. بعد از آن در سریال «دراکولا» ساخته مهرا ن مدیری و سریال «مگه تمام عمر چند تا بهاره» به کارگردانی سروش صحت کار کردم تا اینکه با آقای کارخانی آشنا شدم و ایشان هم برای فیلم «لاله کبود»

سالن‌های مختلف تهران کارم را ادامه دادم ولی علاقه و اشتیاق اصلی من سینما و بازیگری جلوی دوربین بود و با بازی نقش‌هایی در سریال‌های سرگیجه، قهوه ترک، مرداب، گردن زنی، در انتهای شب، برتا و فیلم سینمایی پالایشگاه کارم را به صورت جدی‌تر ادامه دادم.

ارزیابی شما از کاراکتر یغما و نقش پردازی که روی آن انجام دادی به چه شکل بود؟

نقش یغما در «لاله کبود» به ظاهر پیچیدگی نداشت ولی در باطن اتفاقی را در من بوجود آورد که بواسطه روند سعودی فیلمنامه مرا وارد چالشی بنام سکوت و بازی با کمترین حرکت فیزیکی بدن و انتقال حس در قاب‌های لانگ شات کرد و قطعاً هدایت درست آقای کارخانی در کنار بهره‌گیری از تجربیات زیست واقعی که داشتم در شکل‌گیری شخصیت یغما به من کمک کرد.

وقتی یک نقش دیالوگ کمی دارد باز یگر باید بیشتر روی کدام بعد کاراکتر مانور بدهد؟

به نظر من دیالوگ در این فیلم به اندازه بود و بیشتر این تصویر و قاب‌ها بودند که حرف می‌زدند. اما می‌توان گفت که ما به شنیدن و دیدن آثاری که در نهایت باز یگرها با پر حرفی و اساسا دیالوگ‌گویی حواس مخاطب را از فهمیدن اصل قصه پرت می‌کنند عادت کرده‌ایم. در این فیلم هر جا که لازم بود شخصیت یغما حرف می‌زد و هر جا که لازم بود عمل می‌کرد. در کل بازی در نقش‌هایی به قول شما کم دیالوگ برای من چالش و جذابیت بیشتری دارند، از نظر من سینما یعنی اینکه باز یگر بتواند بدون استفاده از ابزار بیان رسالت خودش را در باورپذیر شدن کارکتر به انجام برساند.

فیلم «لاله کبود» چه افزوده‌ای به کارنامه بازیگری شما داشته است؟

نقش یغما در فیلم «لاله کبود» اولین نقش اصلی جدی سینمایی من است. قطعاً این فیلم نه فقط به خاطر اینکه نقش اصلی مرد را بازی کردم بلکه به خاطر اینکه فضایی را برایم مهیا کرد تا بتوانم از آن حفظ را کورد و یا در واقع تداوم حس را یاد بگیرم همین زیادی برایم دارد و مطمئنم که این فیلم در مسیر کاری‌ام جرقه تازه‌ای خواهد زد.

مهتاب نویدی بازیگر:

مهتاب نماد یک زن مستقل و دانا است

در مورد پیشینه سینمایی و ورودتان به این عرصه بگوئید.

«لاله کبود» اولین کار سینمایی من است. من از کودکی گرایش زیادی به دوربین عکاسی و دیدن عکس داشتم و فیلم‌هایی که در قاب تلویزیون می‌دیدم را در خانه و مدرسه تقلید می‌کردم. ۲۰ سالم بود که بازیگری را با استاد جعفری‌زاد بصورت تجربی و با تله تئاتر شروع کردم و در ادامه چند کار تئاتر، فیلم کوتاه و تله فیلم کار کردم و بعد چندین سال کار نکردم. بعد از سالها دوری با کلاسهای دکتر قطب‌الدین صادقی دوباره شروع کردم و تاتر «آنتیگونه» را سال ۹۸ به روی صحنه بردیم و سال ۱۳۹۹ در ورکشاپ‌هایی که آقای کارخانی برگزار می‌کردند شرکت کردم و نهایتاً از میان کاندیداها برای نقش مهتاب انتخاب شدم. هر چند که زمینه تحصیلی‌ام در ابتدا متفاوت بود و

